



مقاله

## شاخصه‌های اجتماعی معلم انقلابی از دیدگاه آیات و روایات<sup>۱</sup>

معصومه شریفی<sup>۲</sup>

محسن رفیعی<sup>۳</sup>

صدیقه حجتی نجف‌آبادی<sup>۴</sup>

### چکیده

ویژگی‌های معلم عموماً و معلم انقلابی خصوصاً از مسائلی است که از دیرباز، مورد توجه اندیشمندان بوده است. هدف از نگارش این پژوهش، بررسی شاخصه‌های اجتماعی معلم انقلابی از دیدگاه آیات و روایات است. گردآوری اطلاعات در این نوشتار به شیوه‌ی کتابخانه‌ای و با ابزار فیش بوده که پردازش داده‌ها با روش توصیفی-تحلیلی به سامان رسیده است. از برجسته‌ترین یافته‌های پژوهش، این است که مؤلفه‌های اجتماعی مریبان انقلابی در قرآن کریم و روایات معصومین<sup>علیهم‌السلام</sup> امر به معروف و نهی از منکر، روحیه جهادی، اهل مشورت بودن، عدالت محوری، هدایت‌گری، وحدت‌طلبی، نصیحت‌پذیری و نصیحت‌گری، عدم درخواست اجر و مزد از غیرخدا، بهره‌گیری بجای قوی از استدلال، بینش و بصیرت است. جایگاه معلم در تربیت نسل انقلابی آینده، منوط به تصدی معلم با ویژگی‌های مناسب از جمله ویژگی انقلابی‌گری است. راه‌های دستیابی به هر یک از مؤلفه‌های یادشده، پژوهشی مستقل می‌طلبد. **واژه‌های کلیدی:** معلم انقلابی، شاخصه‌های اجتماعی، قرآن کریم، روایت.

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۲۸.

۲. استادیار گروه آموزشی معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان، پردیس حضرت معصومه<sup>علیها‌السلام</sup>، قم، ایران. (نویسنده مسئول).  
dr\_sharifi\_masoomeh@yahoo.com

۳. استادیار گروه آموزشی معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان، پردیس آیتالله طالقانی(ره)، قم، ایران.  
dr\_mohsen\_rafieei@yahoo.com

۴. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه فرهنگیان قم، پردیس آیت الله طالقانی<sup>علیه‌السلام</sup>.  
hojati1421@gmail.com

### مقدمه

معلم، جایگاهی ویژه در هر جامعه و به ویژه جامعه اسلامی دارد. این جایگاه، زمانی برجسته‌تر می‌گردد که همراه با ویژگی‌هایی همچون انقلابیون باشد. انقلابی بودن و انقلابی‌گری بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و به خصوص در سال‌های اخیر بر اساس فرمایشات رهبر فرزانه انقلاب اسلامی علیه‌السلام از معنای ابتدایی خود - که شورشیون و جهادگر بودن است خارج شده و به هر نوع تلاش به کار رفته است که بر پایه اعتقادات و برای به اجرا درآوردن عقاید و آمال یک فرد یا ملت باشد. این مسأله در مورد معلمان که نقش مهمی در تربیت و پرورش نسل‌های جدید انقلاب دارند نیز کاربرد دارد. البته باید بدانیم براساس آیات قرآن کریم، انقلابی بودن فقط در مورد مؤمنین نیست و اتفاقاً می‌توان گفت شیطان خود یک انقلابی‌پرتلاش و بزرگ است؛ چرا که به خاطر اعتقاد خود حاضر شد تمام موقعیت‌هایی را که قبلاً با عبادت خدا به دست آورده بود از دست بدهد و با سر باز زدن از سجده بر آدم، از بهشت رانده شود؛ به همین جهت بود که سوگند یاد کرد که همه انسان‌ها را اغوا و گمراه کند (اعراف: ۱۶؛ حجر: ۳۹) به جز بندگان مخلص خداوند (ص: ۷۳-۷۸). از همان زمان تاکنون شیطان هیچ تلاشی را برای گمراهی انسان‌هایی که از او پیروی کنند (حجر: ۴۲) فروگذار نکرده است. کم نبوده‌اند مشرکین و کفاری که در راه اعتقادات غلط و منحرفانه خویش، استوار و ثابت قدم بوده و برای پیاده کردن عقاید خود در جامعه بسیار تلاش نموده‌اند. هم‌چنان‌که در آیه ۸۹ سوره نساء، قرآن کریم به این تلاش مشرکان اذعان می‌کند: «وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً...؛ آنان دوست دارند که شما هم مانند آن‌ها کافر شوید و مساوی یکدیگر گردید». بنابراین آن‌ها از کافران عادی نیز بدترند؛ زیرا کفار معمولی، دزد و غارتگر عقاید دیگران نیستند، اما این‌ها هستند و فعالیت‌های پیگیری برای تخریب عقاید دیگران دارند. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۵۱)

همچنین در آیه ۱۰۹ سوره بقره به تلاش بسیاری از اهل کتاب اشاره شده است: «وَدَّ كَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْفُ عَنْهُمْ...»؛ بسیاری از اهل کتاب از روی حسد که در وجود آن‌ها ریشه دوانده، دوست می‌داشتند شما را بعد از اسلام و ایمان به حال کفر بازگردانند، با این‌که حق برای آن‌ها کاملاً روشن شده است، شما آن‌ها را عفو کنید و گذشت نمائید.

بسیاری از اهل کتاب مخصوصاً یهود تنها به این قناعت نمی‌کردند که خود آئین اسلام را نپذیرند؛ بلکه اصرار داشتند که مؤمنان نیز از ایمانشان باز گردند و انگیزه آنان در این امر چیزی جز حسد نبود. در اینجا قرآن کریم به مسلمانان دستور می‌دهد که در برابر این تلاش‌های انحرافی و ویرانگر «شما آن‌ها را عفو کنید و گذشت نمائید». (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۳۹۹ و ۳۸۸). همچنین در قسمتی از آیه ۲۱۷ سوره بقره، درباره فتنه‌گران می‌فرماید: «وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا»؛ و ایجاد فتنه، (و محیط نامساعد، که مردم را به کفر، تشویق و از ایمان باز می‌دارد) حتی از قتل بالاتر است و مشرکان، پیوسته با شما می‌جنگند تا اگر بتوانند شما را از آیینتان برگردانند. ایجاد فتنه (و منحرف ساختن مردم از دین خدا) از قتل هم بالاتر است؛ چرا که آن، جنایتی است بر جسم انسان و این جنایتی است بر جان و روح و ایمان انسان و بعد چنین ادامه می‌دهد که مسلمانان نباید تحت تأثیر تبلیغات انحرافی مشرکان قرار گیرند، زیرا آن‌ها دائماً با شما می‌جنگند تا اگر بتوانند شما را از دینتان باز گردانند (و در واقع به کم‌تر از این قانع نیستند) (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۱۰۹).

بنابراین لازم و ضروری به نظر می‌رسد که اهل ایمان در مسیر حق خویش تلاش فراوان کنند و این، برای معلمان و مربیان که سکان‌داران تربیت کودکان و نوجوانان و جوانان هستند، بسیار مهم‌تر و قطعاً با ارزش‌تر می‌نماید و انتظار می‌رود معلمان و مربیان تحت فرمان رهبری معظم انقلاب عجلتعالیه و با عنایت به رهنمودهای مستمر معظمله، وظایف و تکالیف خود را در این امر خطیر شناخته و گام‌های مؤثرتر و استوارتری بردارند تا این نظام و انقلاب بتواند به اهداف عالی خود برسد و پرچم انقلاب را به دست آخرین ذخیره الهی حضرت مهدی موعود عجلتعالیه برسانند.

از آن‌جا که کلمه‌ی انقلابی بودن نخستین بار از سوی مقام معظم رهبری مطرح شده است و می‌توان آن را از ابتکارات شخصی معظمله دانست و تاکنون پژوهشی با موضوع شاخصه‌های اجتماعی انقلابی بودن معلم به اندازه‌ای که در خور اهمیت این بحث است، انجام نشده است و آثار مشابهی مانند کتاب «نقش معلم در تربیت دینی»، اثر محمد داودی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد «نقش معلم در تربیت از دیدگاه قرآن و نهج‌البلاغه»، نوشته فاطمه دهقان رجبی، مقاله «شاخص‌های انقلابی‌گری از منظر امام‌خیمینی رحمته و مقام معظم رهبری عجلتعالیه»، نگارش حسین شاهبازپور، به موضوع «شاخصه‌های اجتماعی معلم انقلابی از دیدگاه آیات و

روایات» به نحو مستقل پرداخته‌اند، در پژوهش حاضر، به مطالعه و تحقیق درباره این موضوع پرداخته شده است و با بررسی آیات و روایات، تحلیل و تبیین شاخصه‌های اجتماعی معلم انقلابی آمده است. گردآوری اطلاعات در این نوشتار به شیوه کتابخانه‌ای و با ابزار فیش بوده که پردازش داده‌ها با روش توصیفی-تحلیلی به سامان رسیده است.

## ۲. مفهوم شناسی

قبل از بررسی «شاخصه‌های اجتماعی معلم انقلابی از منظر قرآن و روایات»، مناسب است در این قسمت معنای لغات و واژگان اصلی این پژوهش مورد مذاقه قرار گیرد.

### ۱-۲. معلم

معلم، اسم کسی است که تعلیم می‌دهد؛ به ویژه کسی که کارش درس دادن است. برابر پارسی این واژه آموزگار، آموزنده است. مترادف «معلم» نیز آموزنده، آموزگار، اتابک، استاد، پرورش دهنده، پرورنده، دبیر، لله، مدرس، مربی، هادی است و در مقابل آن تعبیر دانش آموز و شاگرد آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ذیل واژه؛ فرهنگ معین، ۱۳۸۶، ذیل واژه).

معلم، [م.ع.ل.ل] آموزاننده، مدرس، تعلیم کننده، آموزگار، شیخ، دانشمند و فیلسوفی که جامع علوم عصر خود و واضح بخشی از دانش‌ها باشد. تعلیم دهنده، آموزنده: اعم از آموزگار دبیر و استاد (به معانی خاص) است. (اسم) آموزاننده تعلیم کننده، (صفت) آموزگار آموزنده. (همان)

در این پژوهش منظور از معلم، کلیه افرادی که به هر نحوی در مراکز دولتی یا غیر دولتی، به تربیت و آموزش کودکان و نوجوانان همت گماشته‌اند، می‌باشد.

### ۲-۲. انقلابی

انقلابی، مترادف چریک، مبارز، اخلاص گر، شورش گر، شورشی است. (دهخدا، ۱۳۷۷، ذیل واژه)

انقلابی (صفت) [ا ق] (ص نسبی) ۱- منسوب یا مربوط به انقلاب (کشور انقلابی، سخنان انقلابی). شورش. ۲. /ها؛ -ان؛ -ون/ هوادار انقلاب (دولت انقلابی)، کسی که طرفدار انقلاب است. جمع آن انقلابیون است. (همان)

امروز معنای انقلابی دچار تحول شده و به معنی کسی است که در راه آرمان‌ها و اعتقادات و افکار خود تلاش و مبارزه فرهنگی می‌کند تا بتواند آن عقاید را در سطح جامعه پیاده کرده و به ظهور برساند که البته گاهی این مبارزات در مقابل دشمن حالت مبارزه مسلحانه به خود می‌گیرد و چه بسا افرادی در راه این آرمان‌ها جان خود را نیز از دست بدهند، اما معنی عمده‌ای که امروز بکار می‌رود: حرکت مردمی توأم با خشونت در جهت تغییر سریع و بنیادین در ارزش‌ها و باورهای مسلط نهادهای سیاسی، ساختارهای اجتماعی، رهبری، روش‌ها و

فعالیت‌های یک جامعه است. (رکابیان، ۱۳۹۸)

در این پژوهش بنا بر فرمایشات مقام معظم رهبری، انقلابی بودن به معنای تلاش و پیگیری مجدانه برای نیل به اهداف و آرمان‌های الهی جامعه است و معلم انقلابی به هر آموزنده‌ای که به دنبال جریان‌سازی فکری و فرهنگی باشد، اطلاق می‌شود. معلم انقلابی در راه ارزش‌ها و آرمان‌ها و افکار و عقاید خود تلاش و مبارزه می‌کند تا بتواند با پیگیری مجدانه و جهاد گونه آن عقاید را به متریبان و دانش‌آموزان خود منتقل کند و از این طریق یک جریان فرهنگی و فکری در جامعه و نسل‌های جدید ایجاد کند.

### ۳. شاخصه‌های اجتماعی معلم انقلابی

در نظام تعلیم و تربیت اسلام، معلم مسئول تمام مقدراتی است که برای یک کشور یا جامعه پیش می‌آید و مسئول تمام انسان‌هایی است که زیر دست او باید تربیت بشوند. معلم اگر خودسازی کند و تهذیب نفس نماید و حاکم بر خود باشد افراد یک جامعه صالح خواهند بود و اگر خدای ناخواسته معلم تربیت دینی نداشته باشد، سبب انحراف نسل‌ها و عصرها می‌شود و جامعه‌ای را به خرابی می‌کشاند و همه سعادت‌ها و همه شقاوت‌ها از مدرسه‌هاست و کلیدش به دست معلم است و این موضوع حکایت‌گر جایگاه خطیر و بسیار مهم معلم و مربی است.

پیغمبر خدا ﷺ با معجزه قرآن برای آموزش و پرورش آمده است، یعنی بعثت. هدف قرآن یکی تهذیب نفس (تربیت) و دیگری بالا بردن سطح معلومات (تعلیم) انسان است. در لسان قرآن، به جای آموزش و پرورش، پرورش و آموزش آمده است. از این تکرار آیه در قرآن، نقش معلم در جامعه معلوم می‌شود. قرآن کریم می‌گوید کار معلم، کار خداست، نقش او، نقش انبیا و نقش همه‌ی کتاب‌های آسمانی است. نباید معلم درجه‌ی والا و مقام رفیع خود را با مادیات دنیوی معاوضه نماید. (مظاهری: ۱۳۷۰) از نظر پروردگار عالم، کار معلم، کار خداست و نقش او در جامعه نقش پیغمبر اکرم ﷺ است، نقش همه‌ی انبیا و اوصیاء و بالآخره نقش روحانیت است. اولین سوره‌های که بر پیغمبر اکرم ﷺ نازل شده است، سوره‌ی علق است، باری تعالی می‌فرماید: «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ. خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ. اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ. الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ. عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» (علق: ۵-۱). جامعه انقلابی ما معلم متعهد با تخصص می‌خواهد و معلم در حالیکه متعهد، متخصص و متدین است، باید متعادل و با تفاوت باشد، باید با حوصله، با تلافی و مهربان باشد. (مظاهری، ۱۳۷۰) «و اِذَا قَالَ لِقَمَانٍ لَابَنِهِ وَ هُوَ يَعِظُهُ يَا بَنِي لَا تَشْرِكْ بِاللَّهِ اِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ» (لقمان: ۱۳). این فرمولی است که قرآن به معلم می‌آموزد. لقمان با تلافی و زبان خوش، با پند و اندرز و با استدلال پسر خود را تربیت می‌کرد و معلم باید مانند لقمان، کلاسی را تربیت کند. خلاصه آن‌که، معلمان بدانند. کار حساس و خوبی دارند و مسئولیتی سنگین، اما اگر بهشت را می‌خواهند، باید متعهد، متخصص و با تفاوت باشند (مظاهری: ۱۳۷۰) و انقلابی عمل کنند. انقلابی‌گری را از بزرگانگی همچون زینب

کبری علیها السلام می‌آموزیم؛ چون ایمانی اصیل داشتند و با هدف قرار دادن همان اهداف پیامبر صلی الله علیه و آله، عزت، بصیرت، صبر و تقوا را معنا کرده و پیروز میدان تبلیغات نابرابر شدند (رفیعی و شریفی، ۱۳۹۵).

معلم انقلابی که نقش تربیت کننده نسل‌های جوان کشور را بر عهده دارد، باید شاخصه‌هایی اجتماعی داشته باشد که با بررسی آیات و روایات این شاخصه‌ها را می‌توان به دست آورد. جنبه اجتماعی شاخصه‌های معلم انقلابی برای اداره جامعه یا برای انجام مسئولیت‌های اجتماعی لازم و ضروری است و امکان دست‌یابی به اهداف الهی را فراهم می‌نماید. معلمان انقلابی و مؤمن برای ایفای نقش معلمی و تربیتی خود هم باید این شاخصه‌ها را در خود پرورانده و هم در متربیان خود این خصایص شایسته را ایجاد کنند. برخی شاخصه‌های اجتماعی معلم انقلابی، به شرح ذیل است.

### ۳-۱. امر به معروف و نهی از منکر

یکی از وظایف اجتماعی معلمان، این است که نسبت به سایر افراد و رفتارهای آن‌ها بی‌تفاوت نبوده و به صورت نظارت همگانی - مراقب شکل‌گیری جریان‌های ناهنجار یا رفتارهای فساد برانگیز در جامعه خود باشند که در صورت بروز چنین مسائلی با تذکر پی‌درپی جلو انتشار آن را بگیرند. معلم انقلابی در این راستا وظیفه‌ی مهمی دارد. باید در محل کار، میان همکاران، و مهم‌تر از آن دانش‌آموزان، این واجب الهی و وظیفه‌ی اجتماعی را عملی سازد و در عین حال روش‌های صحیح امر به معروف و نهی از منکر به دیگران نیز آموزش داده شود، اما باید مراقب بود امر به معروف و نهی از منکر به دور از افراط و تفریط‌ها، قضاوت‌های عجولانه، رفتارهای غلط به عنوان امر و نهی و اهانت و بی‌احترامی به افراد باشد. حفظ حرمت و شئون افراد و با محبت و دلسوزانه رفتار کردن و در نظر گرفتن شرایط خاصی، باعث تأثیر سخن امر به معروف و نهی از منکر در او می‌شود و احتمال تکرار آن را کاهش می‌دهد. با این که این دستور شرعی بر عهده تک‌تک افراد جامعه است، اما ابتدا باید «معروف» و «منکر» شناخته شود. سپس روش صحیح مقابله با هر منکر و امر و نهی آن آموزش داده شود. باید توجه داشت که قرآن حکیم اولویت را به «امر» به «معروف» داده است پس از آن، سخن از نهی از منکر کرده است و این ترتیب و اولویت‌بندی بسیار مهم است. بیش‌تر مشکلات اجتماعی که در جامعه مشاهده می‌شود به دلیل ترک امر به معروف و نهی از منکر است که در قرآن و روایات هم اثرات آن تذکر داده شده است. باید بدانیم: «ذَلِكِ بَأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ...» (انفال: ۵۳)؛ این به خاطر آن است که خداوند هیچ نعمتی را که به گروهی داده تغییر نمی‌دهد جز آن‌که آن‌ها خودشان را تغییر دهند و خداوند شنوا و داناست. همچنین می‌فرماید:

«لَهُ مَعَقِبَاتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَ مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَاوٍ» (رعد: ۱۱)



بِأَلْسِنَتِكُمْ فَإِنْ لَمْ تَقْدِرُوا فَجَاهِدُوا بِقُلُوبِكُمْ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۳، ص ۴۹)؛ در راه خدا با دست‌های خود جهاد کنید، اگر نتوانستید با زبان‌های خود و اگر باز هم نتوانستید با قلب خود جهاد کنید. همچنین از ایشان نقل شده است: «جَاهِدْ شَهْوَتَكَ وَ غَالِبْ غَضَبَكَ وَ خَالِفْ سَوْءَ عَادَتِكَ، تَزَكُ نَفْسَكَ، وَ يَكْمُلْ عَقْلُكَ وَ تَسْتَكْمِلُ ثَوَابَ رَبِّكَ» (آمدی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۱۱۳)؛ با هوا و هوس خود جهاد کن، بر خشم مسلط شو و با عادت‌های بد خود مخالفت کن تا نفست پاکیزه شود، عقلت به کمال برسد و از پاداش پروردگارت بهره کامل ببری».

بنابراین معلمان باید با مدیریت حکیمانه و روحیه جهادی در زمینه‌های مختلف از جمله اقتصاد و فرهنگ، در راستای شکوفاسازی استعدادهای دانش‌آموزان تلاش کنند. معلمان انقلابی باید تلاش کنند علم را در کنار ایمان و عمل و حرکت‌های جهادی تعلیم دهند؛ زیرا علم به تنهایی نمی‌تواند، اسباب رشد را برای انسان فراهم کند. دست توانای معلم انقلابی است که چشم‌انداز فردای کشور را ترسیم می‌کند، تربیت انسان‌های خلاق و مسئولیت‌پذیر و مهارت‌های اجتماعی همه دستاورد معلمان هنرمند است و معلمان انقلابی باید با مدیریت حکیمانه و روحیه جهادی در شکوفاسازی استعدادهای دانش‌آموزان تلاش بیش‌تری کنند.

### ۳-۳. اهل مشورت

واژه «مشورت» از ماده «شور» به معنای استخراج رأی و نظر صحیح است. (راغب اصفهانی، ۱۳۶۹، ذیل واژه شور) به این بیان که انسان در مواقعی که خود درباره کاری به رأی و نظر صحیح نرسیده، به دیگری مراجعه کند و از او نظر صحیح را بخواهد. کلمه «شورا» به معنای آن پیشنهاد و کاری است که درباره‌اش مشاوره می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۶۳). «مشورت» در اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد. قرآن کریم در آیاتی به این اهمیت می‌پردازد. آن‌جا که می‌فرماید: «وَ الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ أَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ...» (شوری: ۳۸)؛ و آنان که دعوت پروردگارشان را پاسخ می‌گویند و نماز می‌گزارند و کارشان بر پایه مشورت با یکدیگر است». با توجه به معنای مشورت، معنای این آیه چنین می‌شود؛ مؤمنان کسانی هستند که برای هر کاری که می‌خواهند انجام دهند، درباره آن مشورت می‌کنند؛ برای به دست آوردن و استخراج رأی صحیح، دقت به عمل می‌آورند و به این منظور به صاحبان عقل مراجعه می‌کنند. بر اساس نظر برخی از مفسران کلمه «شورا» مصدر است و معنای آیه چنین می‌شود؛ کار مؤمنان شورا در میان خودشان است. (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۲۲۸) این نکته قابل توجه است که طبق این معنا، مشورت یک برنامه مستمر در میان مؤمنان به حساب می‌آید، نه کاری زودگذر و موقت. قرآن می‌گوید همه کارهای آن‌ها در میانشان با مشورت است. جالب این‌که خود پیامبر اسلام ﷺ با این‌که عقل کل بوده و با مبداء وحی ارتباط داشت، در مسائل مختلف اجتماعی و اجرایی؛ در جنگ و صلح و امور مهم جامعه، به مشورت با یاران می‌نشست تا برای مردم الگو باشد؛ چرا که برکات مشورت از زبان‌های احتمالی آن به مراتب بیش‌تر



است. حضرتشان به ویژه برای رأی افراد تأثیرگذار ارزش خاصی قائل بود، تا آن‌جا که گاهی از رأی خود برای احترام آن‌ها، صرف‌نظر می‌کرد، چنان‌که نمونه آن در جنگ «احد» آمده است. بنابراین می‌توان گفت: یکی از عوامل موفقیت معلم انقلابی و آسوه حسنه، پیامبر خدا ﷺ، در پیشبرد اهداف اسلامی همین موضوع بوده است. قرآن کریم در آیه دیگر خطاب به پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید در کارهای مربوط به جامعه اسلامی با مردم مشورت کن، حتی کسانی که اشتباهاتی در گذشته داشتند آن‌ها را مورد عفو قرار ده، برایشان درخواست بخشش کن و آن‌ها را در کارها مورد مشورت خویش قرار ده: «فِيمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْتَضُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» (آل عمران: ۱۵۹).

اصولاً معلمان انقلابی و انسان‌هایی که کارهای مهم خود را با مشورت و صلاح‌اندیشی یکدیگر انجام می‌دهند و صاحب‌نظران آن‌ها به مشورت می‌نشینند، کم‌تر گرفتار لغزش می‌شوند. بر عکس افرادی که گرفتار استبداد رأی هستند و خود را بی‌نیاز از افکار دیگران می‌دانند - هر چند از نظر فکری فوق‌العاده باشند - بیش‌تر گرفتار اشتباهات بزرگی می‌شوند. از این گذشته استبداد رأی، شخصیت مخاطب را از بین برده، افکار را متوقف می‌سازد و استعدادهای آماده دانش‌آموزان را نابود می‌کند و به این ترتیب بزرگترین سرمایه‌های انسانی یک ملت از دست می‌رود. به علاوه معلمی که در انجام کارهای خود با دیگران مشورت می‌کند، اگر مواجه با پیروزی شود کمتر مورد حسد واقع می‌شود؛ زیرا دیگران پیروزی وی را از خودشان می‌دانند و معمولاً انسان نسبت به کاری که خودش انجام داده حسد نمی‌ورزد و اگر احیاناً مواجه با شکست شود، زبان اعتراض و ملامت و شماتت دیگران بر او بسته است؛ زیرا کسی به نتیجه کار خودش اعتراض نمی‌کند، نه تنها اعتراض نخواهد کرد، بلکه دلسوزی و غم‌خواری نیز می‌کند. یکی دیگر از فواید اهل مشورت بودن معلمان انقلابی این است که انسان ارزش شخصیت افراد و میزان دوستی و دشمنی آن‌ها را با خود درک خواهد کرد و این شناسایی راه را برای پیروزی او هموار می‌کند و شاید مشورت‌های پیامبر ﷺ با آن قدرت فکری و فوق‌العاده‌ای که در حضرتش وجود داشت، به دلیل مجموع این جهات بوده است. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۱۱۶-۱۱۴)

### ۳-۴. عدالت‌محوری

در قرآن مجید و همچنین در روایات، توجه ویژه‌ای به عدالت و مساوات شده و یکی از اهداف معلمان بزرگ انقلابی و انبیا ﷺ برقراری عدالت اجتماعی بیان شده است. از جمله در آیات مربوط به داستان حضرت نوح ﷺ از جمله ویژگی‌های مهم شریعت نوح ﷺ عدالت نامیده شده است. مساوات، عدالت، دوری از فواحش و منکرات، راستگویی و وفای به عهد را یادآور شده است (انعام: ۲-۱۵۱).

ارزش و بزرگی عدالت در سطح اجتماع از منظر قرآن به حدی است که به عنوان اصلی بنیادین و بدل‌ناپذیر مطرح و خداوند به طور قاطع به آن فرمان می‌دهد و آن را واجب می‌کند: «إِنَّ اللَّهَ بِأَمْرٍ بِالْعَدْلِ وَالْأِحْسَانِ؛

خدا به عدل و احسان فرمان می‌دهد» (نحل: ۹۰). خداوند به جامعه اسلامی متذکر می‌شود که مبدا رفتار دشمنان شما را از مسیر عدل منحرف گرداند، حتی با دشمنانتان با عدالت رفتار کنید: «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلٰٓی اَلَّا تَعْدِلُوْا اَعْدِلُوْا هُوَ اَقْرَبُ لِلتَّقْوٰی» (مائده: ۸). در همین راستا یکی از اهداف عمده مریبان بزرگ تاریخ بشریت، پیامبران الهی را اقامه عدل و قسط می‌شمارند. خداوند می‌فرماید: «لَقَدْ اَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنٰتِ وَاَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتٰبَ وَ الْمِيزَانَ لِيَقُوْمَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵)؛ به راستی پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آن‌ها کتاب ترازو فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند. خداوند متعال در این آیه شریفه می‌فرماید که من پیامبران خود را همراه ترازو فرستادم تا مردم را به عدالت در مبادلات خود عادت دهید تا دچار ضرر و زیان نشوند و اختلال در وزن پیش نیاید. از طرفی به کسانی که در مبادلات خود عدالت را رعایت نمی‌کنند، هشدار می‌دهد: «وَوَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِيْنَ \* الَّذِيْنَ اِذَا اَكْتَالُوْا عَلٰی النَّاسِ يَسْتَوْفُوْنَ \* وَاِذَا كَالُوْهُمْ اَوْ وُزَنُوْهُمْ يُخْسِرُوْنَ» (مطففین: ۱-۳)؛ وای بر کم‌فروشان، آنان که چون از مردم پیمانہ ستانند تمام ستانند و چون برای آنان پیمانہ یا وزن کنند به ایشان کم دهند.

موازن قرآنی عدالت از ملاحظات نژاد، دین، رنگ و عقیده پیشی می‌گیرد و به مسلمانان فرمان داده شده تا نسبت به دوستان و دشمنان خود و در همه مراحل عادل باشند. قرآن در این باره می‌فرماید: «ای مومنان، عدالت را برای خاطر خدا حفظ کنید و به حق گواهی دهید، اگر چه به ضرر خود یا پدر و مادر و خویشان شما باشد و از فقیر یا توانگر طرفداری ننمایید.» (نساء: ۱۳۵).

از دیگر کارکردهای عدالت، آن است که نظام مبتنی بر عدالت را - همان نظامی که پیامبران و جانشینان آنان در پی استقرار آن هستند - کارآمد می‌سازد. کارایی نظام به کارایی همه بخش‌های آن است، زیرا هیچ قسمتی و هیچ شغلی از قسمت‌ها و شغل‌های دیگر جدا نیست. به عبارتی کارایی نظام به تعدیل و کارایی همه‌ی بخش‌های آن است و نه بعضی از آن بخش‌ها. از این رو معلم انقلابی باید از روحیه عدالت‌طلبی و عدالت‌محوری برخوردار باشد تا بتواند نقش خود را در کارایی نظام انقلابی ایفا کند.

### ۳-۵. هدایت‌گری

مهم‌ترین هدف خداوند از ارسال رسل و یکی از مهم‌ترین وظایف همه پیامبران، هدایت انسان‌ها به راه درست زندگی و بندگی است تا در سایه آن به رشد و کمال مطلوب دست یابند. تردیدی نیست که بر اساس این سخن خداوند متعال: «وَمَنْ يَعْصِمْ بِاللّٰهِ فَعَدٰى هَدٰى اِلٰى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ» (آل عمران: ۱۰۱)، تنها با اعتصام و اتصال به خداوند متعال است که می‌توان به صراط مستقیم، هدایت شد.

معلمان انقلابی نیز با توجه به نقش خود در جامعه، این وظیفه خطیر را به عهده دارند. کلمات رب، ربنا، ربکم، ربک، ربه، ربها، ربهم، ربی، ربهما، ربكما که در قرآن کریم آمده است بیانگر ربوبیت ذات مقدس احدیت است و اصل «رب» تربیت است و آن عبارت از ایجاد شیء، است تا به تدریج او را به مقصد کمال

و تمام رهنمون سازد. (راغب اصفهانی، ۱۳۶۹، ذیل واژه) با توجه به همین جایگاه تعلیم و تربیت است که هدف از بعثت پیامبران، تعلیم کتاب و حکمت و پرورش و تصفیه روح از ناخالصی‌ها معرفی شده است. نام معلم چنان با عظمت است که در جای جای متون اسلامی از او تجلیل به عمل آمده تا به آن حد که خداوند علیم خود را معلم خوانده است: «الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ. عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» (علق: ۴ و ۵)؛ «عَلَّمَ الْقُرْآنَ» (الرحمن: ۲). همچنین در اهمیت این رسالت و شاخصه اجتماعی معلمان انقلابی پیامبر خدا ﷺ فرموده‌اند: «هر که به (راه) هدایتی دعوت نماید، پاداشی همانند پاداش کسانی را داراست که از آن پیروی نموده و چیزی از پاداش آنان نمی‌کاهد و هر که به (راه) ضلالتی دعوت کند، گناه او همانند گناهان کسانی است که از آن پیروی نموده و چیزی از گناهان آنان نمی‌کاهد» (پاینده، ۱۳۸۳، ص ۱۳۰).

در کلمات رسول خدا ﷺ آمده است: «بِالتَّعْلِيمِ أُرْسِلْتُ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲۰۶). «بُعِثْتُ مُعَلِّمًا» (صدرالدین، بی تا، ج ۲، ص ۹۵). «بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۸، ص ۳۸۲) که این جملات بیانگر آن است که اسلام در زمینه تعلیم و تربیت دارای مکتبی ممتاز، مستقل با مبانی و اصولی مشخص و الهی است از جمله مبانی مطرح در مکتب تعلیم و تربیت اسلام اصل خدا محوری یا اخلاص، اصل تقدم اصلاح خود بر اصلاح دیگران، اصل توکل و اعتماد به نفس، اصل آیت بودن و نشانه شدن به سوی کمال مطلق، اصل مدارا و دوری از سخت‌گیری و تکلف، اصل عقلانی بودن نظام تعلیم و تربیت و اصل حاکمیت دادن به تعلیم و تربیت الهی است. اسلام معلم را به عنوان پدر روحانی معرفی می‌کند و می‌گوید: «أَبٌ يُعَلِّمُكَ»؛ یعنی یکی از پدران ثلاثه تو، معلمی است که به تو دانش می‌آموزد و بنابراین تمام حقوقی که درباره پدر و مادر رعایت می‌شود، باید در حق معلم به صورت کامل‌تری رعایت شود.

### ۳-۶. وحدت طلبی

قرآن کریم در آیه ۱۳ سوره شوری می‌فرماید: «از امور دین آن چه را به نوح سفارش کرده بودیم و آن چه را به تو وحی کرده‌ایم و آن چه را به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش کرده بودیم، برای شما مقرر کرد که این دین را بپا دارید و در آن تفرقه نیفتد!...». در اینجا این پرسش مطرح است که آیا معرفی اهل بیت ﷺ و مواضع و تاریخ ایشان اگر به طور صحیح، علمی و تحقیقی بیان شود، با وحدت مخالفت دارد؛ یا بر عکس، آن چه اساساً عامل وحدت امت اسلامی است مسأله امامت و ولایت است؟

معنای حقیقی وحدت، بدیهی است و جای ابهامی ندارد؛ اما برای جامع بودن بحث احتمالاتی را مطرح می‌کنیم. اگر منظور از ایجاد وحدت این باشد که انسان‌ها کاملاً یکی شوند، یعنی هیچ کثرت نظر و تعددی میانشان نباشد، همه می‌دانند چنین چیزی امکان ندارد. دو انسان، دو موجودند و هیچ وقت یکی نمی‌شوند. امکان ندارد که بین همه افراد جامعه وحدت حقیقی به وجود آید. مسأله‌ای را علمای اجتماع مطرح کرده‌اند و آن این است که آیا مجموعه انسان‌هایی که یک جامعه را تشکیل می‌دهند، می‌توانند یک وحدت حقیقی

داشته باشند؛ یعنی یک هویت جدیدی غیر از هویت افراد به وجود آید. این هم بحثی است که در فلسفه اجتماعی باید طرح کرد. این مسائل محل بحث این نوشتار نیست. وحدتی که محل بحث است این است که ما انسان‌های کثیری که در یک جامعه هستیم و هر کدام یک وجود مستقلی داریم، با این اختلافاتی که داریم تا چه اندازه باید سعی کنیم که گرایش به وحدت پیدا کنیم و رسالت معلم انقلابی و مؤمن چیست؟ روشن است که معنای این ایجاد وحدت، وحدت حقیقی فلسفی نیست؛ بلکه منظور این است که ملاک‌های مشترکی شناسایی کنیم و آن ملاک‌های مشترک را تقویت و چیزهایی که باعث پراکندگی و دشمنی می‌شود را کم و ضعیف کنیم. منظور از ایجاد وحدت وحدتی است که به اصطلاح، اعتباری است. منظور این نیست که کثرت‌ها و اختلافات به کلی حذف شود. شبیه آن‌چه که در وحدت حوزه و دانشگاه، وحدت شیعه و سنی؛ و وحدت همه طوایفی که در کشور زندگی می‌کنند دنبال آن هستیم، یعنی ملاک‌های مشترکی را شناسایی کنیم و سعی کنیم آن ملاک‌ها بیش‌تر مورد توجه قرار گیرد و تقویت شود و در سایه تقویت آن ملاک‌ها، چیزهایی که موجب اختلاف می‌شود کم‌رنگ شود. در مباحث عقلی، وحدت در مقابل کثرت مطرح می‌شود، اما در این جا وحدت در مقابل اختلاف مطرح می‌شود. وحدت در این جا یعنی نبود اختلاف. وقتی دعوت به وحدت می‌کنیم، یعنی می‌خواهیم که اختلافات کنار گذاشته شود؛ پس در واقع باید مفهوم وحدت و مفهوم اختلاف را با همدیگر بسنجیم. حال که در این بحث، وحدت در مقابل اختلاف به کار می‌رود اول معنای اختلاف را بررسی می‌کنیم: «وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَ رَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتْلُوكُمْ فِيهَا آتَاكُمْ (انعام: ۱۶۵)؛ خداوند شما را از لحاظ مواهب تکوینی با هم مختلف قرار داد، بعضی‌ها را بالاتر از بعضی؛ دیگر قرار داد برای این‌که زمینه‌هایی برای امتحان شما فراهم شود.»

قرآن کریم می‌فرماید: «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ وَ أَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَ مَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ» (بقره: ۲۱۳). مردم امت واحدی بودند و از لحاظ فطری اقتضانات واحدی داشتند؛ اما بین آن‌ها اختلاف ایجاد شد. این اختلافات کم‌کم باعث می‌شود که صرف نظر از مسائل اعتقادی، مسائل ارزشی هم مطرح شود؛ زیرا عده‌ای در اثر انگیزه‌ها و اغراض شخصی می‌خواهند منافع بیش‌تری کسب کنند و به دیگران تجاوز کنند. در این جا مسأله عدل، ظلم، قانون و ... مطرح می‌شود. حال کسانی که می‌خواهند قانون وضع کنند خودشان از انگیزه‌های اختلاف خالی نیستند. این انگیزه‌ها در قانون‌هایشان منعکس می‌شود. کسی می‌تواند قانون واقعی وضع کند که خودش از انگیزه‌های اختلاف خالی باشد و نیاز به این‌ها نداشته باشد: «فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ...» (بقره: ۲۱۳)؛ خدا پیامبران را مبعوث کرد. خداست که پیامبران را مبعوث می‌کند تا این اختلافات را رفع کنند. از آن‌جا که آدمیزاد موجود عجیبی است، در همین عواملی که رفع‌کننده اختلاف است، اختلاف ایجاد می‌کند. خدا پیغمبرانی را فرستاد و کتاب آسمانی نازل کرد برای این‌که اختلاف

مردم را رفع کند؛ یعنی این کار را کرد تا همه تن به قانون دهند؛ حق را اعمال کنند و به همدیگر ظلم نکنند تا زندگی سعادت‌مندان‌های داشته باشند؛ اما این انسان ناسپاس، در خود دین اختلاف ایجاد کرد: «وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ» (بقره: ۲۱۳).

حال با توجه به این اختلافات، معلمان انقلابی چه رسالتی دارند؟ یک راه اساسی که قرآن در برابر ما قرار می‌دهد، وحدت بر اساس حق است. قرآن کسانی را که درصدد اصلاح جامعه‌اند و دلشان هم برای خودشان و هم برای دیگران، هم برای دنیایشان و هم برای آخرتشان می‌سوزد و از ناهنجاری‌ها رنج می‌برند و می‌خواهند با آن مقابله کنند، به وحدت براساس حق دعوت می‌کند. آیات زیادی در قرآن هست که می‌فرماید: همه انبیایی را که فرستادیم سرلوحه؛ دینشان این بود: «أَنْ أُقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ» (شوری: ۱۳). دین را به پا دارید و در دین اختلاف به وجود نیاورید. دین را با مضامین واحد و شفاف و قواعد مسلم غیرقابل تشکیک عرضه کنید تا این دیگر منشأ اختلاف مردم نشود.

وحدت، آن وقتی مطلوب است که بر اساس حق باشد. معلمان انقلابی باید تلاش کنند حق را تبیین کنند و در اختیار متریبان بگذارند و رگه‌های باطل را معرفی کنند تا کسی به آن‌ها مبتلا نشود. این یک ایده کلی و اساسی است که باید در مرحله نخست، خود انبیاء به عنوان مریبان بزرگ تاریخ بشریت در صدد عمل به آن باشند: «أَنْ أُقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ» (شوری: ۱۳)؛ و سپس پیروان انبیا در صدد الگوگیری از انبیا باشند: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران: ۱۰۳) و «رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ لئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ» (نساء: ۱۶۵).

راه صحیح و منطقی در اختلافات این است که معلمان مؤمن و انقلابی سعی کنند با دلیل و منطق و با شیوه‌ای که تعصبات طرف را تحریک نکند، حقیقت را به طرف مقابل بشناسانند. آن‌ها هم آدمیزاد هستند. اگر کسی با زبان منطقی و ملایم با خود ما صحبت کند اشتباهاتمان را قبول می‌کنیم؛ اما اگر از اول با تندی و پرخاش و احیاناً با توهین با ما حرف بزند ما هم در مقابلش موضع می‌گیریم. اگر با مردم با بیانی منطقی و روشی صحیح حرف بزنیم بسیاری از اختلافات برداشته می‌شود.

پرسش دیگری که در اینجا مطرح است آن است که معلمان انقلابی در برابر معاندین و یا کسانی که آن‌چنان تحت تأثیر تبلیغات اینان قرار گرفته‌اند که یقین کرده‌اند که مذهبشان حق و مذهب شیعه باطل است، چه وظیفه‌ای دارند؟ اگر ما در بیان حق و اثبات بطلان مذاهب باطل، کوتاهی کنیم به خدا، به پیامبر ﷺ، به انسانیت، به شهدا، به گذشتگان و به آیندگان خیانت کرده‌ایم. در این صورت ما هم در عمل جزو شیاطینی شده‌ایم که راه حق را مسدود می‌کنند: «وَأِنَّهُمْ لَيَصُدُّونَهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُهُتَدُونَ» (زخرف: ۳۷). وقتی حقیقت را بیان نکنیم آن‌ها سوءاستفاده می‌کنند و می‌گویند: «اگر مطلبی داشتند می‌گفتند و از خودشان دفاع می‌کردند.»؛ پس وظیفه معلم انقلابی برابر این افراد چیست؟ در اینجا

اصل مسأله حفظ وحدت است. اگر معلمان با این‌ها برخورد پرخاشگرانه و تند و متعصبانه داشته باشند، چه نتیجه‌ای خواهد داشت؟ نتیجه‌اش این است که بر عناد آن‌هایی که معاند هستند افزوده می‌شود و برای آن‌هایی که در اثر جهل به باطل مبتلا شده‌اند، بهانه‌ای پیدا می‌شود که از ما رو برگردانند و بگویند: «اگر حق بودند چرا باید درستی کنند و فحش بدهند؟! مطلب حقشان را با دلیل بیان می‌کردند»؛ چنین روشی باعث می‌شود ما را باطل محسوب کنند. پس برخورد متعصبانه، یعنی اظهار مطلبی بدون دلیل و توأم با پرخاش اگر نتیجه معکوس ندهد، نتیجه مطلوب هم نخواهد داشت. حرف منطقی است که نتیجه دارد. جلوی حرف منطقی نباید گرفته شود. هیچ دلیل منطقی وجود ندارد که جلوی حرف منطقی گرفته شود؛ اما رفتار پرخاشگرانه، متعصبانه، خصومت‌برانگیز و کینه‌توزانه نه دلیل عقلی دارد و نه دلیل شرعی: «يَفْعَلُ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً» (آل عمران: ۲۸)؛ خدا اجازه نمی‌دهد که با کفار روابط دوستانه داشته باشید، مگر این‌که از آن‌ها بپرهیزید. «تُقَاةً؛ به معنای تقیه است. تقوا، تقیه و تقاه هر سه لغت اسم مصدر از فعل «اتَّقَى» هستند و یک معنا دارند. این نیز عنوانی ثانوی است و حکمی ثانوی دارد (ابن منظور، ۱۴۱۴، ذیل واژه).

بنابراین معلمان مؤمن و انقلابی دو وظیفه دارند: وظیفه اول (وظیفه علمی، که باید در فضای علمی و تحقیقی مبانی تشیع را اثبات کنیم؛ چون معتقدیم اسلام حقیقی تشیع است و آن‌چه که اهل بیت<sup>علیهم‌السلام</sup> پذیرفته و عمل کرده‌اند همان چیزی است که پیغمبر اسلام<sup>صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم</sup> فرموده‌اند. دوست داریم که دیگران هم از این خوان کرم الهی بهره‌مند شوند و گمراه و محروم نشوند. وظیفه دوم) رفتار مناسب داشتن است. پرخاشگری، بی‌ادبی، بی‌احترامی کردن کار صحیحی نیست. (مصباح یزدی، ۱۳۸۹)

### ۳-۷. نصیحت‌پذیری و نصیحت‌گری

یک معلم انقلابی، پیش از آن‌که نصیحت‌گر و نقاد باشد؛ باید نصیحت‌پذیر و نقدپذیر باشد تا بتواند به یک الگوی مناسب تبدیل شود. در این‌جا مناسب است به گزیده‌ای از فرمایشات رهبر معظم انقلاب در ترسیم معلم انقلابی خطاب به معلمان و مربیان عزیز کشور - که در اردیبهشت ماه سال ۹۸ در دیدار با فرهنگیان و معلمان ایراد فرمودند - اشاره شود:

«شهید عزیز ما، مرحوم آقای مطهری رضوان‌الله‌علیه به معنای واقعی کلمه یک معلم دلسوز بود، خوب فکر می‌کرد، خوب بیان می‌کرد، خوب دنبال می‌کرد؛ صرف این‌که حرفی بزنی و تکلیفی اداء کنیم نبود. حُب ببینید، آن وضع مطلوبی که ما می‌خواهیم این است: آموزش و پرورش باید بتواند انسان‌هایی تربیت کند که دانا باشند، توانا باشند، خردورز باشند، پارسا باشند، پرهیزکار باشند، پاکدامن باشند، کارآمد باشند، مبتکر باشند، شجاع باشند، اهل اقدام باشند، از دشمن نترسند، از تهدید نترسند، خواب‌رفتگی و غفلت پیدا نکنند؛ انسان‌های این جوری تربیت کند... برای تحوّل آموزش و پرورش

روحیه‌ی انقلابی لازم است. روحیه‌ی انقلابی یعنی ترس نداشته باشید، ملاحظه‌کاری نداشته باشید، محافظه‌کاری نداشته باشید؛ وقتی تشخیص دادید، عمل کنید، اقدام کنید؛ پیش بروید، به توقّف راضی نشوید؛ کارها را تزیینی انجام ندهید. گاهی انسان یک کاری انجام می‌دهد، حالت تزیینی و تشریفاتی دارد؛ اینها سم است؛ نخیر، کار را جدی انجام بدهید؛ این‌ها تحوّل را عملی می‌کند، ممکن می‌کند، تحقق پیدا می‌کند. البته معنای اینکه من می‌گویم توقّف نکنید، بروید، حرکت کنید، اقدام کنید، این نیست که اگر نقد عالمان‌های به شما شد، گوش نکنید؛ نخیر؛ یکی از حرکت‌های انقلابی هم همین است؛ نقد عالمانه را به گوش بگیرید، قدر بدانید، از ناقد و نقاد استقبال کنید».

روش تربیتی موعظه و نصیحت از روش‌های مهم و مؤثر در حوزه‌ی تعلیم و تربیت به حساب می‌آیند که معلمان انقلابی باید از این روش در تربیت متریان بهره‌جویند. این روش در قرآن کریم بارها تکرار شده است و مورد استفاده قرار گرفته است، به طوری که خداوند منان خود را موعظه‌کننده و قرآن کریم را کتاب موعظه معرفی کرده و به پیامبر اسلام ﷺ دستور موعظه به دیگران داده است. بنابراین روش‌های موعظه و نصیحت دارای روش‌ها، انواع و کاربردهای مختلفی هستند که باید همراه با رعایت نکات و شرایط آن‌ها مورد توجه قرار گیرند.

موعظه و نصیحت از روش‌های مهم و مؤثر در تعلیم و تربیت است. این دو روش از دیرباز مورد توجه اولیا، مربیان و مبلغان بوده است. در حقیقت موعظه و نصیحت، فطرت آدمی را بیدار می‌کند، به همین دلیل است که خدای منان فطرت موعظه‌پذیری را در دل و جان انسان به ودیعه نهاده و او را برای قبول تربیت آماده کرده است. بنابراین موعظه‌پذیری و نصیحت‌پذیری نیاز ذاتی انسان می‌باشد و کسی از آن بی‌نیاز نیست. ممکن است بسیاری از افراد صالح و پاک در شرایط و موقعیت‌های خاصی نیازمند به موعظه و نصیحت باشند و معلمان باید از این شاخصه انقلابی برخوردار باشند.

امام علی علیه السلام نقش تربیتی موعظه را به گونه‌ای تعریف و توصیف می‌کند که به نظر می‌رسد بر سایر شیوه‌های تربیتی برتری دارد و آن را به نوری تشبیه می‌نماید که هنگام تابیدن بر نفس انسان به آن نورانیت و روشنایی می‌بخشد: «المواعظ صقال النفوس، و جلاء القلوب؛ موعظه نفس انسان‌ها را صاف و نورانی می‌کند». (آمدی، ۱۴۲۹، ح ۳۷۳)

قرآن کریم از شیوه‌ی تربیتی موعظه و نصیحت بیش‌ترین استفاده را برده است و به عنوان نمونه در سوره‌ی لقمان، به داستان تربیتی پدر مهربان و شایسته‌ای اشاره می‌کند که به موعظه دل‌سوزانه‌ی پسر خویش می‌پردازد. هدف قرآن کریم از نقل چنین داستانی ارائه و نشان دادن الگوی تربیتی به دیگران است که خدای منان در مورد پیامبر اسلام ﷺ به این مسأله اشاره کرده است: «لقد کان لکم فی رسول الله اسوة حسنة...» (احزاب: ۲۱)؛ به یقین برای شما در زندگی پیامبر خدا ﷺ سرمشق نیکویی بود... بنابراین

موعظه و نصیحت نقش اساسی در تربیت انسان دارد و در حکم دارویی است که بر جسم و جان آدمی تاثیر می‌گذارد و موجب هدایت و رشد انسان می‌شود.

برای موعظه و نصیحت شرایطی وجود دارند که در منابع تربیتی به آن اشاره شده است. به دلیل وجود شرایط موعظه و نصیحت در منابع دینی، باید معلمان مؤمن و انقلابی به شرایط آن توجه نموده و مردم را با موعظه‌ی نیکو و تاثیرگذار دعوت نمایند: «ادع الی سبیل ربک بالحکمة والموعظة الحسنة» (نحل: ۱۲۵). امام علی علیه السلام می‌فرماید: «الموعظة النافع ما ردع» (آمدی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۳۱۹): موعظه‌ی سودمند آن است که باز دارنده باشد». بنابراین موعظه با قلب آدمی سر و کار دارد و به آن نرمی و رقت می‌بخشد و عواطف انسانی را تحریک کرده و از کجی‌ها و پلیدی‌ها باز می‌دارد و به سوی خوبی‌ها و راستی‌ها سوق می‌دهد. چنین امری سبب می‌شود که روحیه‌ی رذالت و پلیدی در انسان بشکند و روحیه‌ی حق و حقیقت طلبی، در وی ریشه دوانده و به بارنشسته و رشد کند.

### ۳-۸. عدم درخواست اجر و مُزد

خداوند متعال در آیه ۲۳ سوره مبارکه شوری خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى». پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز از مردم درخواست مزد مادی نداشت، ولی چندین مرتبه از طرف خداوند با کلمه «قل» مأمور شد تا مزد معنوی را که به نفع خود مردم است، از مردم تقاضا کند: «قل ما سألتکم من أجر فهو لکم» (سبأ: ۴۷). این مزد معنوی نیز در دو تعبیر آمده است؛ یک بار می‌فرماید: من هیچ مزدی نمی‌خواهم جز آن که هر که خواست راه خدا را انتخاب کند، «الّا من شاء ان یتخذ الی ربّه سبیلاً» (فرقان: ۵۷)؛ و یک بار در آیه مورد بحث که می‌فرماید: «لا اسئلكم علیه اجرا الا المودة فی القربی» (شوری: ۲۳) بنابراین مزد رسالت بزرگترین مری بشریت دو چیز است: یکی انتخاب راه خدا و دیگری مودت قربی. دیگر مری انقلابی حضرت نوح علیه السلام نیز می‌فرمودند: «ای قوم من برای این کار از شما اجر و مزدی نمی‌خواهم» (نوح: ۱۰۹). استدلال ایشان که در ردّ تهمت کافران در مورد طمع مال و برتری مالی بود که نشان می‌دهد هیچ‌گونه اجری از طرف رسول در مقابل رسالتش خواسته نمی‌شود و از این رو حق ندارند چنین تهمتی بزنند.

حضرت هود علیه السلام نیز درخواست اجر و مزد نکردند و فرمودند: «ای قوم! من از شما برای این کار مزدی نمی‌خواهم، مزد من بر آن کسی است که مرا آفریده است، پس چرا تعقل نمی‌کنید؟» (شعرا: ۱۲۷). همچنین دیگر مری انقلابی حضرت شعیب علیه السلام به نداشتن کم‌ترین چشم‌داشت مادی از مردم، در برابر ادای رسالت خویش تصریح کرده است:

«اذ قال لهم شعیب الا تتقون» (شعرا: ۱۷۷)؛ هنگامی که شعیب به آن‌ها گفت: «آیا تقوا پیشه نمی‌کنید؟» ؛ «و ما اسئلكم علیه من اجر ان اجری الا علی رب العلمین» (شعرا: ۱۸۰) «من در برابر این دعوت،



پاداشی از شما نمی‌طلبم اجر من تنها بر پروردگار عالمیان است»؛

نخستین نشانه صدق پیامبران و معلمان مؤمن و انقلابی این است که هیچ منفعت مادی در دعوتشان ندارند، نه مالی می‌خواهند و نه جاه و مقام و نه حتی تشکر و سپاسگزاری و نه هیچ اجر و پاداش دیگر. این همان چیزی است که بارها در آیات قرآن در مورد انبیای بزرگ به عنوان نشانه‌ای از اخلاص و بینظری و صفای قلب پیامبران روی آن تکیه شده و تنها در سوره شعرا پنج بار این جمله (و ما اسئلكم علیه من اجر) تکرار گردیده است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۳۴۹). امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «المعلم لا يعلم بالاجر و يقبل الهدیه اذا اهدى الیه» (حرعاملی، ۱۳۹۱، ج ۱۷، ص ۱۵۶)؛ معلم به خاطر مزد درس نمی‌دهد، [بلکه برای خدا و با خلوص نیت آموزش می‌دهد] و هرگاه هدیه‌ای به او دادند، آن را می‌پذیرد».

### ۳-۹. بهره‌گیری بجای قوی از استدلال

در فرایند تبلیغ و تعلیم و تربیت، مسأله استدلال قوی و منطقی جهت اقناع مخاطب، بسیار کارساز است. معلم بزرگ تاریخ بشریت، پیامبر گرامی خدا صلی الله علیه و آله از روز نخست با برهان و منطق، مردم را به آیین خود دعوت می‌کرد و معجزه‌ی جاودان او که قرآن است، هنوز هم به بی‌مانندی خود باقی مانده و احدی نتوانسته است خدشه‌ای بر آن وارد کند، در دومین سوره از قرآن کریم چنین آمده است:

«و إن كنتم فی ریب مما نزلنا علی عبدنا فاتوا بسورة من مثله و ادعوا شهدائكم من دون الله إن كنتم صادقين» (بقره: ۲۳)؛ بگو اگر در آن چه بر بنده خود فرو فرستادیم شك و تردیدی دارید (در این که از جانب خداست) یک سوره همانند سوره‌های آن را بیاورید و شاهدان خود را دعوت کنید، اگر در این ادعا راستگو هستید».

اصولا همه انبیا در دعوت خود از طریق دلیل و برهان وارد می‌شدند و پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نیز از همین شیوه بهره گرفته است. یک نگاه گذرا به ماده (عقل) و (تفکر) و (علم) در قرآن به روشنی می‌رساند که آورنده‌ی این آیین مردم را به تفکر و تعقل دعوت می‌کند. کافی است بدانید که: الف: ماده‌ی عقل در قرآن ۴۹ بار؛ ب: ماده‌ی تفکر ۲۲ بار؛ ج: ماده علم ۷۷۹ بار، به صورت‌های مختلف وارد شده‌اند و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از طرف خدا مأمور شده بود که با مردم از سه طریق سخن بگوید: الف: منطق و استدلال با متفکران؛ ب: پند و اندرز درباره متوسطان؛ ج: گفتگو و محاوره با مخالفان: «ادع الی سبیل ربك بالحكمة و الموعظة الحسنة و جادلهم بالتي هي أحسن...» (نحل: ۱۲۵)؛ با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما! و با آن‌ها به روشی که نیکوتر است استدلال و مناظره کن...».

یکی از مهارت‌هایی که باید در هر نظام آموزشی از سوی معلمان انقلابی به دانش‌آموزان آموخته شود، مهارت اندیشیدن است. برای عملی شدن این مهم، معلم باید در افزایش مهارت‌های تفکر و استدلال شاگردان خود بکوشد و آن‌ها را از مرحله یادگیری طوطی‌وار مطالب، به مرحله تفکر سوق دهد و آن‌ها

را در یافتن راه حل مناسب که اساس یادگیری توأم با تفکر است، آموزش دهد؛ به طوری که دانش‌آموزان بتوانند مهارت‌های کسب شده را در دروس گوناگون و موقعیت‌های مختلف زندگی استفاده کنند، زیرا زندگی دانش‌آموزان محدود به مدرسه نبوده و باید یادگیری مهارت‌های تفکر به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل آموزش و پرورش باشد؛ به عبارتی دیگر، محور فعالیت‌های مراکز آموزشی باید آموختن و اندیشیدن باشد، نه آموزش اندیشه‌ها. در چنین وضعیتی است که ادامه‌ی جریان تفکر در مدرسه امکان‌پذیر می‌شود. در این راستا و در تحقق هدف اصلی نظام آموزش و پرورش که همان پرورش شیوه تفکر در دانش‌آموزان است، معلم مؤمن و انقلابی باید به رشد و گسترش فرایند تفکر و انتقاد در دانش‌آموزان کمک کند؛ به ویژه که این‌بار روش به روشنی در آیات و روایات اسلامی نیز آمده است.

### ۳-۱۰. بینش و بصیرت

داشتن بینش صحیح و بصیرت برآمده از آموزه‌های دینی، نقش بسزایی در تصحیح افعال معلمان انقلابی دارد و بخشی از مفهوم اصلی نیت و حسن فاعلی در همین عنصر نهفته است؛ بصیرت، قوه‌ای است نفسانی که به مدد نور الهی پدید آمده و موجب می‌شود تا صاحب آن قوه، حقیقت و باطن امور را - چنان که هست - دریابد. معلم با بصیرت، می‌تواند حق و حقیقت را از باطل تشخیص دهد، صحیح بشنود و بیاندیشد. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ» (حج: ۴۶)؛ آیا آنان در زمین سیر نکردند تا دل‌هایی داشته باشند که با آن حقیقت را درک کنند، یا گوش‌هایی که با آن حقیقت را بشنوند؟ البته چشم‌های آنان کور نیست، لکن دل‌هایی که در سینه دارند، نابینا است».

بصیرت واژه شریفی است؛ چرا که بصیر از اسماء الهی است و معلم انقلابی - که پای در مسیر تعالی و کسب سعادت آخری می‌گذارد - باید این ویژگی را به خوبی دارا باشد تا از مسیر حق و حقیقت منحرف نشود و عاقبت امر خویش را ختم به خیر گرداند. بصیرت را خداوند متعال به وسیله ولیّ خودش که واسطه بین حق و خلق است، به فرد یا امت عطا می‌کند، این عطا زمانی است که شخص، قابلیت عطا را داشته باشد و این قابلیت فقط با پیوند با ولایت شکل می‌گیرد و لاغیر. بنابراین بهترین راه برای فهم چیستی بصیرت رجوع به مظهر اتم آن، یعنی معصومین علیهم‌السلام است. از این‌رو با رجوع به روایات نورانی معصومین علیهم‌السلام، به این شاخصه اجتماعی معلمان انقلابی می‌پردازیم.

امیرمؤمنان علی علیه‌السلام با رفتار و گفتار خویش بزرگ‌ترین آموزگار بصیرت در تمام دوران‌ها بودند و اصحاب خویش را نیز به داشتن این نعمت الهی فرا می‌خواند. در نگاه ایشان بینش و بصیرت، عطایی الهی و منشأ هدایت است؛ چنان‌چه می‌فرماید: «فَأَبْدَلْنَا بَعْدَ الضَّلَالَةِ بِالْهُدَى وَ أَعْطَانَا الْبَصِيرَةَ بَعْدَ الْعَمَى»؛ (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۷) [خداوند] پس از گمراهی ما را هدایت کرد و به جای کوری، بصیرت به ما عطا کرد».

انسان و معلم بصیر از منظر آن حضرت کسی است که:

۱. به درستی بشنود و در شنیده‌ها تفکر کند نه این‌که هرگونه حرف و شایعه‌ایی را بدون تفکر و بررسی باور کند؛ چنان‌که فرمودند: «فَاتَّمَا الْبَصِيرُ مَنْ سَمِعَ فَتَفَكَّرَ»؛ (نهج البلاغه: خطبه ۱۵۳) همانا [انسان] بصیر کسی است که شنید و اندیشه کرد.

۲. به درستی بنگرد؛ نگاهی که در پی آن، آگاهی و بینش حاصل شود؛ به عبارت دیگر معلم انقلابی و بصیر به دنبال نگاهش به عالم، علم و آگاهی است. در اندیشه امیرمؤمنان علیه السلام، بصیر کسی است که دیده‌ها و شنیده‌هایش هدف‌دار هستند، نه سخن لغو می‌شنود و نه نگاه هرز می‌اندازد، بلکه از هر شنیده و دیده، عبرتی و از هر عبرتی، پندی می‌گیرد؛ چنان‌که می‌فرماید: «وَنَظَرَ فَأَبْصَرَ، وَانْتَفَعَ بِالْعَيْرِ، ثُمَّ سَلَكَ جَدَدًا وَاصِحًا يَتَجَنَّبُ فِيهِ الصَّرْعَةَ فِي الْمَهَاوِي، وَالضَّلَالَ فِي الْمَعَاوِي» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۳)؛ پس به درستی نگریست و آگاه شد، و از عبرت‌ها پند گرفت، سپس راه روشنی را پیمود و از افتادن در پرتگاه‌ها، و گم شدن در کوره راه‌ها، دوری کرد.

### نتیجه‌گیری

جایگاه معلم در تربیت نسل انقلابی آینده، منوط به تصدی معلم با ویژگی‌های مناسب از جمله ویژگی انقلابی‌گری بر این جایگاه است. از برجسته‌ترین یافته‌های پژوهش این است که مؤلفه‌های اجتماعی مریبان انقلابی در قرآن و روایات معصومین<sup>علیهم‌السلام</sup> از این قرار است: امر به معروف و نهی از منکر، روحیه جهادی، اهل مشورت، عدالت‌محوری، هدایت‌گری، وحدت‌طلبی، نصیحت‌پذیری و نصیحت‌گری، عدم درخواست اجر و مزد از غیر خدا، بهره‌گیری بجا و قوی از استدلال، بینش و بصیرت.

## منابع

- قرآن کریم، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم: الهادی، ۱۳۷۹ ش.
- آمدی، ابوالفتح، غرر الحکم و درر الکلم، تهران: دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۲۹ ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دارالصادر، ۱۴۱۴ ق.
- پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، کلمات قصار پیامبر اکرم (ص) همراه با ترجمه فارسی و نمایه موضوعی؛ به اهتمام غلامحسین مجیدی خوانساری، قم: انصاریان، ۱۳۸۳ ش.
- حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، تصحیح عبدالرحیم ربانی شیرازی، تهران: اسلامیة، ۱۳۹۱.
- دهخدا، علی اکبر، لغتنامه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ش.
- دهقان رجبی، فاطمه، نقش معلم در تربیت از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید باهنر کرمان، شهریور ۱۳۹۲
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن با تفسیر لغوی و ادبی قرآن، تهران: مرتضوی، ۱۳۶۹ ه. ش.
- رفیعی، محسن؛ معصومه، شریفی، درسنامه روش‌های تفسیری قرآن کریم، قم، مقاومت، ۱۳۹۵ ش.
- رزاییان، رشید، محمودعلی پورگرگی، «مؤلفه‌های انقلابی و انقلابی بودن و انقلابی ماندن در اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری»، نشریه مطالعات انقلاب اسلامی، سال ۱۶ تابستان ۹۸ شماره ۵۷، صص ۹۵-۱۱۰.
- زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، شرح اصول کافی، تصحیح محمد خواجه‌جوی، بیجا: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، بی تا.
- طباطبایی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ ه. ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب، أصول کافی، ترجمه و شرح سید جواد مصطفوی، تهران: کتابفروشی علمیه اسلامیة، ۱۳۶۹ ش.
- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار<sup>علیهم السلام</sup>، چاپ سوم، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
- مظاهری، حسین، ویژگی‌های معلم خوب، سلسله مباحث استاد آیت الله حسین مظاهری پیرامون

- نقش، جایگاه و وظایف معلمین، قم: مرکز تربیت معلم شهید آیت الله مدنی رحمته، ۱۳۷۰ ش.
- معین، محمد، فرهنگ معین، چاپسوم، تهران: زرین، ۱۳۸۶ ش.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، چاپ دهم، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱ ه. ش.
- موسوی خمینی، سید روح الله، صحیفه امام رحمته، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته، ۱۳۷۹.